

محمد(ص) در اروپا

داستان هزار سال افسانه سازی و دروغ پردازی در غرب

نوشته مینو صمیمی ترجمه عباس مهر پویا

ناشر: انتشارات اطلاعات

تهران، سال چاپ: ۱۳۸۲

نوبت چاپ: اول

فهرست مطالب

مقدمه ناشر ۱۱

سخن مترجم ۲۳

پیشگفتار نویسنده (بر متن فارسی) ۲۷

پیشگفتار نویسنده (بر متن انگلیسی) ۳۳

دیباچه ۳۹

۱- محمد (ص)، پیام آور مکه ۵۳

۲- حکومت محمد (ص) در مدینه: شکل گیری اسلام ۹۳

۳- محمد (ص) در جستجوی معنویت ۱۴۳

۴- محمد (ص) به عنوان «مخوند» [!] اروپای قرون وسطی و ترس از اسلام ۱۶۵

۵- محمد (ص) در اروپای پس از رنسانس: تهدید ترکان ۲۰۵

۶- محمد (ص) به عنوان «ضد مسیح» [!] سرانجام محمد (ص) و اسلام در دوران جنبش دین پیرایی

مسیحیت ۲۳۷

۷- اومانیت یا متحجر؟ شکاف در عصر روشنگری ۲۷۱

۸- محمد (ص) در عصر قهرمان پرستی ۳۲۷

۹- خیالپردازی در باب لذت‌پرستی و قساوت: محمد (ص) و اسلام در تصور اروپای سده نوزدهم ۳۶۹

۱۰- بازگشت به جنگ‌های صلیبی و جهادها: اسلام در پایان امپراتوری عثمانی ۴۲۳

۱۱- از تکریم تا تحریف آشکار: محمد (ص) در قرن بیستم ۴۶۷

کتابنامه ۵۱۳

مقدمه ناشر

می‌دانیم که ظهور اسلام در نظر مسیحیان مؤمن از همان آغاز، رخدادی شگفت و بدعتی بزرگ تلقی می‌شد. احساس خطر قدرتهای سیاسی و مذهبی حاکم بر اروپا و سایر کشورهای مسیحی‌نشین نیز واکنش‌های گوناگونی را در پی داشت. سالهای سال اروپاییان و حتی برخی از شخصیت‌های علمی برجسته تاریخ تمدن اروپا- خصوصاً متأثر از سالهای سیاه جنگ صلیبی- تا آنجا که در توان داشتند، علیه اسلام و پیامبر اسلام تبلیغ کردند و زشت‌ترین تهمت‌ها و توهین‌ها را در حق محمد (ص) روا داشتند.

حتی افراد بارز و برجسته‌ای امثال «ولتر» نمایشنامه‌ای علیه پیامبر اسلام نوشتند و در فرانسه به روی صحنه آوردند. این نمایش چنان تصویر زشتی از پیشوای دینی مسلمانان ارائه داد که به قول ویل دورانت با وجود آنکه تماشای آن می‌بایست مسیحیان ناآشنا با تاریخ اسلام و مشرق زمین را خشنود سازد، مع ذلك با اعتراض آنان مواجه شد و ولتر نمایش را متوقف کرد.

سده‌های بسیاری گذشت، تا سرانجام آفتاب حقیقت از پس تکه‌پاره‌های ابر دروغ و دغل، چهره نشان داد و بسیاری از متفکران مسیحی و غربی به اصلاح بینش و باور سابق همت گماشتند و کتابهایی چند در این باب نگاشته‌شد. کتاب معروف «جان دیون پورت» نویسنده و متفکر اروپایی که ترجمه آن تحت عنوان «عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن» در ایران قبل از انقلاب با همت مرحوم استاد غلامرضا سعیدی منتشر شد و به زبان عربی نیز انتشار یافت، نمونه‌ای از این ندامت‌نامه‌های انتخابی و اختیاری بود که صرف نظر از انگیزه‌های سیاسی خاص در برخی موارد، به طور کلی بازتابی از وجدان تاریخی اروپاییان اهل انصاف و تحقیق را به نمایش می‌گذاشت.

البته از آن روزگار تا امروز، تحولات بسیاری در جهان رخ داده است. سقوط رژیم شاهنشاهی و پیروزی انقلاب مردمی و بزرگ و چشمگیری بر پایه دین اسلام و تعالیم حضرت محمد (ص) در ایران و استقرار نظام سیاسی جدیدی به نام «جمهوری اسلامی» در این کشور، در صدر تحولات و رخدادهای مزبور قرار دارد. بار دیگر

زخمهای کهنه تاریخ سرپاز کرد و خصوصاً در سالهای جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و همچنین در سالهای پس از آن، انبوه کتابها و فیلمها و رسانه‌های گروهی در اروپا و آمریکا بار دیگر به بستری برای انتقال تبلیغات منفی علیه اسلام و پیامبر اسلام (ص) تبدیل شد. با این همه، صاحب‌نظران دیگری نیز در غرب وجود داشتند و دارند که در حد توان خویش برای معرفی چهره اسلام و حضرت محمد (ص) به گونه‌ای دیگر و در واقع به صورتی مثبت یا نسبتاً مثبت و ارزشمند، تلاش کرده‌اند. کتاب حاضر (محمد در اروپا) همین واقعیت را بازتاب می‌دهد و به تعبیر نویسنده آن، «داستان هزار سال افسانه‌سازی و دروغ پردازی غرب» را درباره اسلام و حضرت محمد (ص) روایت می‌کند. روشن است که این کتاب نیز عاری از خطا و اشتباه نبوده، نویسنده محترم نیز مدعی شناخت دقیق از اسلام نیست. آنچه مهم است، آشنایی افزون‌تر خوانندگان ایرانی با دیدگاه و داوری صاحب‌نظرانی است که در مقام مقایسه با اقران و امثال تلاش کرده‌اند تا از سر انصاف و اعتدال و واقع‌نگری بگویند و بنویسند.

خوشبختانه اکنون کتابهای بسیاری در کشورهای اسلامی و از جمله ایران، درباره اسلام و تاریخ اسلام و زندگی پیامبر بزرگوار اسلام (ص) به رشته تحریر درآمده و در دسترس پژوهشگران قرار دارد. بنابراین می‌توان آنچه را در متن کتاب حاضر و نظایر آن ملاحظه می‌شود، از حیث درک میزان قوت و اعتبار دینی و تاریخی، با مراجعه به متون اصلی و مرجع و همچنین کتب موجود و معتبری که اشاره شد، مورد سنجش و ارزیابی قرار داد.

آنچه در کتاب حاضر آمده، به همت و قلم يك بانوی ایرانی به زبان انگلیسی نوشته و منتشر شده و در اختیار ما قرار گرفته است. پیش از این نیز کتاب «پشت پرده تخت طاووس» به قلم ایشان (خانم مینو صمیمی) توسط انتشارات اطلاعات ترجمه شده و در سالهای گذشته انتشار یافته است.

«انتشارات مؤسسه اطلاعات» از مؤلف کتاب «محمد در اروپا» - که داستان هزار سال افسانه‌سازی و خیال‌پردازی غرب درباره اسلام و پیامبر بزرگوار اسلام را در متن کتاب محققانه خود بازگویی و بازنویسی کرده و به سهم خویش در طریق دفاع از فرهنگ و تاریخ و تمدن اسلامی و ملی کشورش گامی ارجمند برداشته است - سپاسگزاری می‌کند.

علی‌رغم آنکه معمولاً کتب مستشرقان و اسلام‌شناسان غربی از داوری‌های نادرست و ناروا نسبت به زندگی پیامبر اسلام مشحون است و با وجود آنکه مؤلف کتاب «محمد در اروپا» مانند هر مؤلف دیگر ملتزم به رعایت اصل امانت بوده است، مع ذلك «خانم مینو صمیمی» با احساس تعهد و التزام قلبی و منطقی نسبت به وطن

و تاریخ و ملیت خویش و به طور کلی نسبت به «حق و حقیقت» تا آنجا که ممکن و میسر است با داوری‌های نادرست و ناروا به چالش برخاسته و ابهامات مطرح شده را پاسخ گفته است.

تلاش صمیمانه ایشان به عنوان مؤلف کتاب حاضر و به عنوان کسی که در محاصره انبوه کتابهای مستشرقان و غربیان به افشای نادرستی‌ها و ناروایی‌ها پرداخته و از سرزنش اغیار نه‌راسیده است، عرق دینی و غرور ملی را در دل و جان جوان فرهیخته و با فرهنگ، آقای عباس مهرپویا، نیز به عنوان مترجم کتاب برانگیخت و شور و شوقی ستودنی را در وجود وی به منظور ترجمه این اثر ارجمند پدید آورد. تکاپوی متعهدانه و عاشقانه مترجم محترم در بازنویسی و برگردان این اثر ماندگار - به صورتی که اصالت و امانت با بیان ادیبانه و منعکس کننده روح شیدایی در سطر سطر کتاب همراه شود - مشهود و مستحق قدردانی و سپاسگزاری است.

اکنون باید گفت کتاب «محمد در اروپا» در درجه نخست با همت مؤلف ارجمند و سپس با تلاش مترجم محترم، شایستگی مطالعه و جلب توجه اهل نظر را در جامعه رشد یافته ایران نیز پیدا کرده است. «محمد در اروپا»، هم از حیث آشنایی با اقوال غربیان و هم از جهت ملاحظه چالش‌ها و پاسخگویی‌ها و دیدگاه‌های مؤلف محترم در مواجهه با قول و قضاوت بیگانگان، شایسته توجه و تحسین است.

«محمد در اروپا» تحلیلی است گسترده و نقادانه از تصاویر ساختگی، غیر حقیقی و غیر تاریخی که از اسلام و از شخصیت و خصوصیات اخلاقی پیامبر اسلام در آثار تعداد اعجاب‌انگیزی از نویسندگان، شعرا، نقاشان، شرق‌شناسان، مورخین، فلاسفه و رهبران مسیحیت اروپایی ترسیم شده و در طول هزاره گذشته در معرض افکار عمومی قرار گرفته است.

مینو صمیمی در کتاب خود نشان می‌دهد که چگونه این تصاویر منفی و وحشت‌زا و بی‌اساس کلیشه‌وار از نسلی به نسل دیگر در کشورهای اروپایی انتقال یافته و به ندرت مورد سؤال و یا تردید واقع شده است. و یا چطور متفکرین اروپایی به جای آنکه برای آشنایی با اسلام به منابع تاریخی اسلامی و متون اولیه عربی که از مورخین برجسته و معتبری چون الطبری، ابن اسحاق، ابن سعد و یا بخاری به جای مانده است و تصویر روشن از زندگی و عادات و علایق بنیانگذار اسلام و تعالیم و اخلاقیات اسلامی به دست می‌دهد رجوع کنند (که نوشته‌هایشان - گرچه به طور غیر کامل - به زبانهای اروپایی هم ترجمه شده است) متأسفانه کورکورانه و با سماجت خاصی تفاسیر مغرضانه و خصومت‌آمیز رهبران کلیساهای قرون وسطی را ملاک و معیار برخورد خود با اسلام و حضرت محمد قرار داده‌اند. در آثار این قبیل از نویسندگان، هنرمندان و فلاسفه اروپایی، اسلام به عنوان دینی بی‌رحم، خشن، خونخوار و جنگجو معرفی شده که بویژه در میان پیروان مذکر خود

احساس هوسرانی و عیاشی و مالدوستی و قدرت طلبی را ترویج می‌کند. در همین چارچوب نیز خصوصیات اخلاقی حضرت محمد (ص) مطرح شده و اعمال و کرداری به ایشان نسبت داده شده که کاملاً و اساساً با شواهد و اسناد تاریخی موجود که در متون اولین وقایع‌نگاران مسلمان به طور مشروح می‌توان یافت مغایرت دارد. مینو صمیمی با توجه به تسلط بر چندین زبان اروپایی (وی کارشناس و مترجم رسمی انسیتوتوی زبانشناسی لندن است) موفق به جمع‌آوری اسناد و مدارک و مجموعه جالب توجهی از آثار مذهبی و ادبی و فلسفی به زبانهای فرانسه، آلمانی، انگلیسی و ایتالیایی و لاتین شده است که برای نخستین بار برداشتهای اروپایی را از اسلام و شخصیت بنیانگذار اسلام - از دوران جنگهای صلیبی تا به امروز - به صورت جامع و محققانه عریان می‌سازد. هر فصل از کتاب به برهه‌ای از تاریخ تحول فکری قاره اروپا اختصاص دارد و آثار نویسندگان نامداری چون دانته، لوتر، مارلو، رابله، ولتر، دیدرو، ویکتور هوگو، شلی، بایرون، هاینه، گیبون و بسیاری دیگر که اسلام و حضرت محمد را موضوع داستان، شعر و یا بررسی تاریخی - مذهبی خود قرار داده‌اند در خلال فصول کتاب مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. بدین ترتیب خواننده می‌تواند خود قدم به قدم سیر شکل‌گیری تصاویر انزجار آمیز ضد اسلامی را در اذهان مردم غرب دنبال کند. در پایان کتاب نیز رمان پر سر و صدا و اهانت‌آمیز آیات شیطانی سلمان رشدی بدقت مورد بررسی قرار گرفته و ارتباط مستقیم تصاویر کریه و وقیح آن با سنت دیرینه افسانه‌پردازی غرب و جعل تاریخ اسلام - که نمونه‌های چشم‌گیر و بارز از آن در کتاب «محمد در اروپا» مینو صمیمی انعکاس یافته - به طور واضح و روشن ترسیم شده است.

دو فصل اول کتاب مربوط به شرح حال و طرز زندگی و صفات اخلاقی و انسانی و آموزشهای حضرت محمد (ص) است که بر اساس توصیفات مشروح اولین تاریخ‌نویسان اسلامی و شواهدی که در خود متن قرآن کریم موجود است تهیه و تنظیم شده است. در این کوشش مینو صمیمی از همکاری و صحنه‌گذاری یک محقق انگلیسی اسلام‌شناس به نام دکتر پ- ج- استوارت که استاد دانشگاه آکسفورد است برخوردار بوده است. با مطالعه این زندگینامه جدید که سندیت تاریخی و علمی دارد خواننده خود تفاوت فاحشی را که بین سیمای پیامبر اسلام در نوشته‌های اروپایی و منابع اولیه عربی وجود دارد به طور مشخص خواهد دید و پی خواهد برد که کدام چهره واقعی و کدام دروغین و ساختگی است. «محمد در اروپا» برای اولین بار یک حملات و انتقاداتی را که به نحوه زندگی، رفتار و کردار و خصوصیات اخلاقی حضرت محمد معطوف بوده است، از قبیل تعدد زوجات و جنگ با بت‌پرستان و فرمانروایی سیاسی، با صحنه‌هایی زنده از زندگی حضرت محمد (ص) در مکه و در مدینه مقایسه کرده و عقاید و افکار پیامبر اسلام را در مورد مسائلی چون حقوق زنان، مساوات و برابری بین مرد و زن، آزاد کردن بردگان، بزرگواری و بخشش در قبال دشمنان، اهمیت خانواده و دلبستگی‌های عاطفی، توزیع عادلانه ثروت و دستگیری از مستمندان در ترازوی قضاوت گذاشته است.

در فصل سوم، ارزشهای معنوی اسلام و اصول یکتاپرستی و نقش حیاتی و الهام بخشی که این معنویت در زندگی هر فرد مسلمان ایفا می‌کند و میراث بالارزشی است که بنیانگذار اسلام از خود به جای گذاشته و در طول تاریخ مکاتب بسیاری از جمله تصوف و عرفان با استناد درست یا نادرست به این میراث پدید آمده، مورد تحلیل قرار گرفته است.

همین معنویت عمیق و دلنشین اسلامی است که منبع الهام برای گروه دیگری از متفکران و صاحبان ذوق و ادب در اروپا بوده است. گروهی که به دفاع از اسلام به پا خاسته‌اند، به تحسین و ستایش شخصیت و جهان بینی حضرت محمد (ص) پرداخته‌اند و ادعاهای پوچ و بی‌اساس نویسندگان گروه اول را مردود شمرده‌اند. اینان عبارتند از کارلایل، گوته «جوان» (و نه گوته دیوان شرق - غرب!)، مونگمری وات و آنماری شیمل که بخش‌هایی از نوشته‌های آنان نیز در کتاب «محمد در اروپا» گنجانده شده است.

«انتشارات اطلاعات» ضمن تشکر مجدد از مؤلف کتاب یادآوری می‌کند که برخی از نکات احتمالاً ابهام آمیز را با توجه به آنچه در متون و منابع اسلامی - شیعی آمده است و نیز با توجه به انتظارات و اقتضائاتی که لازمه تلاش مثبت و مؤثر فرهنگی در جامعه ایران است، به صورت «یادداشت» توضیح داده و در پایان هر فصل آورده است. امیدواریم این اثر ارجمند، در ابهام زدایی و گردافشانی و غبارروبی از چهره مهسا و منور پیامبر بزرگوار اسلام در جهان امروز و در عصر گفتگوی فرهنگها و تمدنها، مؤثر و مفید افتد. باشد که قلم چنین محققان و پژوهشگرانی همواره بُرنده‌تر از تیغ اغیار به میدان درآید و به سهم خویش ساحت اندیشه و دانش و پژوهش را - چنانکه نیاکان ما دعا کرده‌اند - از شرّ دشمن و دروغ و خشکسالی در همه عرصه‌های حیات اجتماعی و فرهنگی، برهاند و مصداقی از آن آرزوی بلند شاعرانه باشد که می‌گوید:

خواهم شبی نقاب ز رویت برافکنم خورشید کعبه، ماه کلیسا کنم تو را

ستایش‌ها و ناسزاها

پیش از مطالعه متن کتاب، توجه خوانندگان صاحب‌نظر و پژوهشگر را به نکات ذیل جلب می‌کنیم. در این کتاب (محمد (ص) در اروپا) با دو گونه روایت مواجه می‌شویم:

ستایش‌ها

دیدگاه‌ها و داوری‌های از سر انصاف و آگاهی، ستایش‌های محققانه از شخصیت والای حضرت محمد (ص)، طرد و تکذیب اتهامات عامیانه و کین‌توزانه، دفاع از اوصاف برجسته و کمالات وجودی پیامبر عظیم الشان اسلام، که با زبان و قلم مسیحیان منصف و مستقل مغرب زمین و اندیشمندان دیگر در کشورهای

اروپایی منعکس و منتشر شده است. اکنون به نمونه‌هایی از این ستایش‌ها- به مصداق «الفضل ما شهدت به الأعداء»- اشاره می‌شود.

محمد (ص) به عنوان انسانی خارق العاده، در کتابش قرآن، میراثی جاودانه از خود به جای گذاشته است. («گوته»، فصل هشتم، ص ۳۳۸)

ارزشمندترین گوشه قلبم، مسخر تصویری است از بهشتی که محمد (ص) در کتابش قرآن نوید برخورداری از آن را داده است. («گوته»، فصل نهم، ص ۳۹۸)

درستی و صداقت محمد (ص) بود که مردم پیرامونش را تحت تأثیر قرار می‌داد.

نوکیشان مسلمان، مسحور افسون شمشیر محمد (ص) نشده بودند، بلکه کلام تأثیرگذار، قاطع، ناب و بدیع محمد (ص) که مستقیماً از قلب هستی یعنی همان آفریننده جهان برخاسته بود آنان را شیفته و مسحور ساخته بود. جستجو برای یافتن حقیقت غایی- و نه جاه‌طلبی- محمد (ص) را به طرح این پرسش‌ها برانگیخته بود: حیات چیست؟ مرگ چیست؟ من به چه باید باور داشته باشم؟ وظیفه من در این دنیا چیست؟ («توماس کارلایل»، فصل هشتم، ص ۳۴۹)

در باب [انتساب] شهوت‌پرستی به پیامبر اسلام (ص) بسیار گفته‌اند و نوشته‌اند، اما این موضوع به هیچ عنوان صحت ندارد. بر عکس، محمد (ص) زاهدی پرهیزکار بود که افراط و زیاده‌روی را در هر نوع آن رد می‌کرد. محمد (ص) خود کفش‌هایش را پینه می‌کرد، ردایش را خود وصله می‌زد، مردی تهیدست و زحمتکش و محروم و بی‌نصیب و بی‌اعتنا به هر آنچه‌ای بود که هرزگان برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند. در نفس او تمایلات والاتر و نیکوتری ماورای هر گونه عطش و ولع وجود داشت. («توماس کارلایل»، فصل هشتم، ص ۳۵۱)

بگذار او (محمد ص) را هرچه می‌خواهند بنامند. هیچ امپراتوری با تاج و دیهیم خویش چنین مورد اطاعت واقع نشده است که آن مرد در عبای ساده دست دوخت خود؛ همو که طی ۲۳ سال متحمل سخت‌ترین مصائب و آزمایش‌های زندگی شد و مشقات فراوان بر او گذشت. من بشخصه تمام خصوصیات يك قهرمان راستین را در او مجسم می‌بینم. همین و بس. («توماس کارلایل»، فصل هشتم، ص ۳۵۲)

این حکم قرآن بود، همان رحمت الهی و پاداش اخروی که محمد (ص) به پرهیزکاران نوید داده بود. این آتش اشتیاق الهی بود که محمد (ص) در ژرفای قلبشان برافروخته بود. و همین آتش بود که چنان حمایت

چشمگیر و گسترده‌ای را برای وی به ارمغان آورده بود نه بی‌بند و باری و هرزگی. («توماس کارلایل»، فصل هشتم، ص ۳۴۹)

زمانی سعی کردم قرآن را از بر کنم. در این کار خیلی پیش نرفتم، اما آنچه دریافتم این بود که در آنجا (در قرآن) انگشت نشانه نیرومندی را می‌بینید که چون عقربه‌ای راه را به سوی آسمان و خدا نشان می‌دهد. خدایی که به طور جاودانی در حال طلوع است، در مشرق زمینی که هرگز از توان نخواهد افتاد. («ماریا ریلکه» در نامه‌ای به کشیش «رودولف زیمرمن»، فصل نهم، ص ۴۷۴)

محمد (ص) به عنوان انسانی سواد نیاموخته (امّی)، آنچنانکه در قرآن نیز به همین صورت وصف شده، اهل خواندن و نوشتن نبود. همو که توانایی خواندن و نوشتن را تنها هنگامی فرا گرفت که کلام خدا در غاری دور افتاده بر فراز بیابان‌های مکه بر او هویدا شد.

نزدیکی محمد (ص) به خدا، پیوند او با واقعیّات برین، همه و همه محصول ذات پاك و بكر او در مقام مردی صحرانورد بود. («ماریا ریلکه»، ندای محمد، ترجمه ان. بی. آر. ریوز، فصل یازدهم، ص ۴۷۱)

سلمان رشدی را به خاطر جریحه‌دار کردن احساسات مسلمانان، به گونه‌ای اهریمنی، باید به شدت مورد انتقاد قرار داد. («آنه ماری شیمل»، فصل یازدهم، ص ۴۷۵)

اندك دانشی که ما اروپائیان داریم تماما از مشرق زمین نشأت گرفته است؛ آنان که این دانش نخست را به یونانیان (مردمی مغرور و متکبر) منتقل کردند، که از آنان رومیان به سهم خود نصیب خویش را برگرفتند و پس از آنکه بر بریت و توخّش در سراسر جهان غرب گسترش یافت اعراب با فتوحات خود دگرباره آن دانش را در اروپا رواج دادند.

(«سیمون آکلی» و «جرج سیل»، فصل هشتم، ص ۳۰۸)

در طول تاریخ، مسیحیان و مسلمانها همیشه با خشونت و سنگدلی خاصی با یکدیگر برخورد کرده‌اند، که در این میان ما چاره‌ای نداریم جز آنکه خود را به عنوان متجاوز مقصّر بشناسیم؛ چرا که آنان در همه اعصار مهمیای آن بوده‌اند تا به احترام شارع آسمانی دین ما مسیحیان به مصالحه‌های کلانی تن بدهند. در حالیکه ما در برابر آنها و پیامبرشان کاملا اهانت‌آمیز و شنیع عمل کرده‌ایم و حتی يك امتیاز به سود آنان روا نداشته‌ایم. کلیساهای شرقی مورد حمایت مسلمانان اند و مجازند که مناسک دینی خود را به جای بیاورند، اما در اروپا کاتولیک‌ها که شاید برخی پروتستان‌ها را نیز که از سر شور و اشتیاق به گمراهی کشانده‌اند به این جمع

افزوده‌اند، حتی مرگ را بر حمایت از فرقه مسلمان و اجازه به جای آوردن آزادانه شعائر دینی‌شان ترجیح می‌دهند. («هنری بولینگ بروک»، رسایلی در باب مطالعه و بهره‌گیری از تاریخ، فصل هشتم، ص ۳۱۳)

کارلایل، تحریف تصویر واقعی محمد (ص) بر اساس تئوری‌های "الحادی عصر خرد" را به باد سرزنش و انتقاد گرفت. آنچه که - مطابق با شرح و توصیف خود او - از «فلج ذهنی و مرگ معنوی اروپا» خبر می‌داد. کارلایل در مقام مقایسه، شرافت و صداقت محمد (ص) را تأیید و تصدیق کرد. او محمد (ص) را مردی اصیل، صاحب نبوغ و پیام‌آوری که از عوالم نامتناهی و ناشناخته برای ما اخبار آورده است معرفی کرد.

(«مینو صمیمی»، «فصل هشتم، ص ۳۴۵».)

ناسزاها

داوری‌های ناروا، کین‌توزانه، رذیلانه و به هر حال نادرست، جاهلانه، ناشی از عدم شناخت (داستان هزار سال افسانه‌سازی، دروغ‌پردازی و خیالبافی بسیاری از غریبان درباره اسلام و پیامبر بزرگوار اسلام (ص)).

قرآن کریم، خود، قرن‌ها پیشتر نمونه‌هایی از این قبیل را صراحتاً نقل کرده و با نشان دادن سعه صدر و استغناى خویش در واقع ناسزاگویان را تحقیر و خلع سلاح کرده است.

گویی به زبان حال گفته است:

گر جمله کاینات کافر گردند بر دامن کبریاش ننشیند گرد

وَ اِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا، لَيُرْلِقُونَكَ بِاَبْصَارِهِمْ، لَمَّا سَمِعُوا الذُّكْرَ، وَيَقُولُونَ اِنَّهُ لَمَجْنُونٌ، وَ مَا هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ. (قلم - ۵۱ و ۵۲)

وَ عَجِبُوا، اَنْ جَاءَهُمْ مُنذِرٌ مِنْهُمْ، وَ قَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ. (ص - ۴)

قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ اِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ، قَالَ يَا قَوْمِ، لَيْسَ بِي ضَالَةٌ، وَ لَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ. (اعراف - ۶۰ و ۶۱)

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ اِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ، وَ اِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ، قَالَ يَا قَوْمِ، لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ، وَ لَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ. (اعراف - ۶۶ و ۶۷)

وَ قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَدْرُ مُوسَى وَ قَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ، وَ يَدْرُكَ وَ الْهَتَكَ، قَالَ سَنُقْتِلُ أَبْنَاءَهُمْ، وَ نَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ، وَ إِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ، قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ، اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ، وَ اصْبِرُوا، إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ، يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ، وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ.

(اعراف - ۱۲۷ و ۱۲۸)

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا، إِنَّ هَذَا إِلَّا إِفْكُ افْتِرَاءِ، وَ أَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ، فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَ زُورًا، وَ قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأُولِينَ اكْتَتَبَهَا، فِيهَا تُمْلَى عَلَيْهِ بُكْرَةٌ وَ أَصِيلًا، قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ، إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا. (فرقان - ۴ و ۵ و ۶)

وَ لَقَدْ نَعَلِمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ، لِسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ، وَ هَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ.

(نحل - ۱۰۳)

فَذَكِّرْ، فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَ لَا مَجْنُونٍ، أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ الْمُنُونِ. (طور - ۲۹ و ۳۰)

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوفَةَ، فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَرْ، إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ. (کوثر - ۱ و ۲ و ۳)

به هر روی امیدواریم این مجموعه به عنوان یکی از منابع تحقیق تاریخی مورد استقبال و استفاده پژوهشگران آگاه و مستقلی قرار گیرد که ناسزاها را شایسته خود ناسزاگوین می دانند و در ستایشها نیز مراتبی از انصاف و اعتدال ستایشگران را متجلی می بینند، و آنگاه - فارغ از نفس مدح و ذم - سیر تاریخی و ریشه های فرهنگی و اجتماعی و چون و چند مواجهه تدریجی دنیای غرب با دنیای اسلام را پیگیری می کنند. وگرنه پیامبر اسلام (ص) را نه نیازی به مدح دوستان است و نه باکی از ذم دشمنان.

ز طعن دشمن و تعریف دوست مستغنی است ستاره ای است که خورشید عالم معنی است

«انتشارات اطلاعات»